

# امام خمینی، هویت فرهنگی و آینده انقلاب اسلامی ایران

دکتر یحیی فوزی<sup>\*\*</sup>

## چکیده

در این مقاله نویسنده، به تبیین دیدگاه امام خمینی درباره نقش مهم فرهنگ در تحولات سیاسی اجتماعی و آسیب‌های وارد شده بر هویت فرهنگی در ایران می‌پردازد و معتقد است که از نظر امام خمینی، تلاش به منظور احیای هویت فرهنگی اسلامی - انسانی در کشور می‌تواند زمینه‌ساز قوت و قدرت انقلاب و تقویت باورهایی همچون استقلال، عدم سلطه‌پذیری، حمایت از مظاهر واقعی تمدن و نفی هرگونه تقلید غیرعقلانی و حفظ کرامت ارزش‌های اصیل انسانی در کشور شود؛ و عدم موفقیت در احیای این هویت، منجر به انحراف و تضعیف انقلاب اسلامی شده و پی‌آمدهای ناگواری را برای انقلاب اسلامی در پی خواهد داشت.

## کلید واژه

فرهنگ، هویت فرهنگی، هویت اسلامی - انسانی، خود واقعی، خود کاذب، امام خمینی.

## مقدمه

فرهنگ و تحول در حوزه فرهنگی از جایگاه محوری و ویژه‌ای در اندیشه اسلام‌گرایان از جمله امام خمینی برخوردار است، و نقش کلیدی در تغییر و تحولات سیاسی - اجتماعی ایفا

<sup>\*\*</sup> دکترای علوم سیاسی و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

می‌کند. به طوری که امام خمینی «فرهنگ را مبدأ همهٔ خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت می‌داند»<sup>۱</sup> و «راه اصلاح مملکت را اصلاح فرهنگ آن مملکت»<sup>۲</sup> ذکر می‌کند.

براین اساس نگارنده سعی کرده است، ضمن تبیین دیدگاه امام خمینی (ره) دربارهٔ فرهنگ و هویت فرهنگی و عناصر تشکیل‌دهندهٔ آن در ایران، به بررسی نقش آن در جهت‌گیری‌ها و روند آیندهٔ حرکت انقلاب اسلامی بپردازد. مهم‌ترین عامل در تعیین جهت‌گیری حرکت آیندهٔ انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)، ماهیت هویت فرهنگی کشور است که آن را هویت اسلامی - انسانی ذکر می‌کند، که البته این امر به مثابهٔ فرضیهٔ این مقاله، قابل بررسی است. وی ضمن آسیب‌شناسی فرهنگی در ایران با اشاره به پیشینهٔ تاریخی اقدامات انجام شده به منظور مسخ هویت اصیل فرهنگی کشور - که به نظر وی به مسخ انسانیت انسان انجامیده است - معتقد است، در صورت تداوم آن وضعیت، انقلاب به انحراف کشیده خواهد شد و در صورت بازگشت به هویت اصیل فرهنگی که احیای هویت انسانی و تقویت انسانیت انسان است، انقلاب اسلامی با بالندگی به حرکت خود ادامه خواهد داد. در واقع امام خمینی، تحول در حوزهٔ فرهنگ و هویت فرهنگی کشور را مهم‌ترین عنصر در تغییر و تحولات آتی دانسته و در سخنان، دست‌نوشته‌ها و تذکرات خود همواره حساسیت ویژهٔ خود را به این حوزه نشان می‌دهد که در ادامه به بررسی این بحث خواهیم پرداخت.

### ۱- آسیب‌شناسی هویت فرهنگی در ایران از دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی در سخنان خود همواره به تبیین وضعیت موجود فرهنگی کشور (به مثابهٔ حوزهٔ استراتژیک) و آسیب‌شناسی آن می‌پرداخت و نقش فرهنگ را در تحولات آیندهٔ کشور یادآوری می‌کرد. به اعتقاد ایشان بزرگ‌ترین آسیب وارد شده بر پیکرهٔ فرهنگ در ایران از سوی غرب‌گرایان و متحجرین بوده است. وی در این راستا اقدامات انجام‌شده در رژیم گذشته به منظور تحول در این حوزه را موجب انحراف فرهنگ کشور از وضعیت طبیعی خود می‌دانست. انتقادات امام به طور عمده متوجه برنامهٔ مدرنیزاسیونی بود که در حوزه‌های مختلف از جمله حوزهٔ فرهنگی در دورهٔ پهلوی دوم در کشور آغاز شده بود. این برنامه که به شدت متأثر از مکتب مدرنیزاسیون

در امریکا بود قرائت خاصی از مدرنیزاسیون را مطرح می‌کرد که براساس آن، تحول در فرهنگ، ارزش‌ها و باورهای بومی به مثابه فرهنگ سنتی و جایگزین کردن فرهنگ غرب تحت عنوان فرهنگ مدرن را در اولویت قرار می‌داد، و معتقد بود تحول در حوزه فرهنگی جامعه سنتی، مقدمه هرگونه تحول در حوزه‌های دیگر از جمله حوزه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خواهد بود.<sup>۳</sup> این مدرنیزاسیون فرهنگی با کمک‌های مالی امریکا به ایران و با ابزارهایی همچون مبادلات فرهنگی با غرب، اعزام دانشجویان به خارج و ... آغاز و در دهه چهل (ه. ش.) در قالب اصول انقلاب سفید و سپس به وسیله حزب رستاخیز دنبال شد و به تبع آن، اتخاذ سیاست مذهب‌زدایی، اعمال محدودیت برای مذهب‌یون، به‌کارگیری نیروهای بهایی، یهودی و لاییک در مصادر قدرت، گسترش رفتارهای فرهنگی غیرمتعارف در جامعه مذهبی ایران (مانند استفاده از روابط آزادانه زن و مرد، روابط جنسی آزادتر، پوشاک غربی، مصرف نوشابه الکلی، استفاده از موسیقی و هنر غربی و ...) ترویج شد. در این دوره نفی سنت‌ها و نهادها و ارزش‌های بومی و مذهبی به منزله ارزش‌های عقب‌مانده که سرچشمه حقارت ملی محسوب می‌شدند مطرح و در کنار آن گسترش آداب و سنن غربی و یا باستانی ایران که مغایرتی با فرهنگ غرب نداشت ترویج می‌شد.<sup>۴</sup> این اقدامات موجب شد، فرهنگ بومی کشور و به تبع آن هویت فرهنگی کشور دستخوش تحولات بسیاری شود و از وضعیت واقعی خود فاصله گیرد. اقدامات مذکور به شدت اسلام‌گرایان را به واکنش وادار ساخت. اصولاً در روند کلی اصلاحات تأکید بر اهمیت اصلاحات فرهنگی از جمله وجوه مشترک هواداران مکتب مدرنیزاسیون و اسلام‌گرایان است. هر دو معتقدند تحول در ارزش‌ها و باورها که به‌طور مجموع بخشی از فرهنگ انسان‌ها را تشکیل می‌دهد، نقش مهمی در اصلاح اجتماعی دارد و این تغییر موجبات تحول انسان‌های جدید را فراهم می‌کند. برخی تئوریسین‌های مکتب مدرنیزاسیون آن را انسان مدرن (Modern Man)<sup>۵</sup> نامیده‌اند. این تأکید مشترک بر حوزه فرهنگ به این معنی نیست که هر دو جریان فکری، فرهنگ مشترکی را عامل اصلاح بدانند بلکه نشان‌دهنده آن است که هر دو جریان، صحنه منازعه اصلی با رقیب را عرصه فرهنگی تصور می‌کنند. مدرنیست‌ها بر ضرورت تحول فرهنگ سنتی به مدرن و یا استفاده ابزاری از فرهنگ مذهبی تأکید دارند؛ و در مقابل اسلام‌گرایان از تحول فرهنگ

غیراسلامی به فرهنگ اسلامی سخن می‌گویند. امام خمینی (ره) در این باره معتقد است:

«باید کوشش کنید فرهنگ اسلامی - انسانی را جایگزین فرهنگ حاضر کنید».<sup>۶</sup>

براین اساس امام خمینی (ره) ضمن اشاره به پیشینه تاریخی تحولات ایجاد شده در حوزه فرهنگی در ایران، معتقد است که حوزه فرهنگی با آفت غرب‌زدگی مواجه بوده که این امر ضایعات جبران‌ناپذیر را بر آن وارد آورده است و باید با نقد فرهنگ به زدودن این ضایعات پرداخت. امام خمینی عملکرد غرب‌زده‌ها را در دوره پهلوی در حوزه فرهنگی یک انحراف تاریخی می‌دانست و معتقد بود که استعمارگران با ایجاد تحول فرهنگی و وابسته کردن فرهنگ کشور، موجب وابستگی کشور، ضعف و اراده و باور ملی و عقب‌ماندگی کشور شدند و می‌گویند:

«تا حالا همه چیزمان تقریباً غربی بود. بر همه ماست که از این غرب‌زدگی

بیرون آییم، افکارمان را عوض کنیم تا وضعیت فرهنگیمان عوض بشود».<sup>۷</sup>

وی ضمن تأکید بر ابعاد این سلطه استعماری که آن را «سلطه فرهنگی» می‌نامید، معتقد بود که این روند به وابستگی فکری و درونی منجر می‌شود که سایر وابستگی‌ها از آن سرچشمه می‌گیرد. به اعتقاد ایشان تا استقلال فکری برای ملتی حاصل نشود استقلال در ابعاد دیگر حاصل نخواهد شد.<sup>۸</sup> پی‌آمد این وابستگی فکری و سلطه فرهنگی به گفته امام (ره) چنین است:

«گمان می‌کنند همه چیز از غرب است و ما در همه ابعاد فقیر هستیم و باید از

خارج وارد کنیم».<sup>۹</sup>

ایشان وابستگی فکری را در از «خودبیگانگی» و «غرب‌زدگی» می‌داند که هر دو ریشه در جهل به استعدادهای فعلی خود و ناآگاهی نسبت به هویت فرهنگی، میراث تاریخی و پشتوانه شخصیت ریشه‌دار تاریخی خویش دارد. به نظر وی آنچه استعمارگران با ملل تحت سلطه و عقب‌نگه‌داشته شده انجام داده‌اند و می‌دهند تزییق و ترویج بی‌هویتی فرهنگی، بی‌ریشگی تاریخی، فقر و نیازمندی به دیگران است.<sup>۱۰</sup> سخنان امام (ره) در سال‌های اول پیروزی انقلاب به‌طور عمده تلاشی برای تعیین ابعاد این وابستگی فرهنگی و مبارزه برای رفع آن است و در این راستا خروج از غرب‌زدگی را مهم‌ترین قدم در راه احیای هویت خود می‌داند و می‌گوید:

«ما در اثر تبلیغات دامنه‌دار غرب خود را باخته بودیم و غرب زده شده بودیم که خیال می‌کردیم هر چیزی باید از آن‌جا بیاید. اما الان که ملت فهمیده باید اول خودش را پیدا کند؛ باید باور کند که از او هم کار می‌آید و از غرب زدگی خارج شود و در غرب را به‌روی خود ببیند تا به استقلال برسد تا غرب زدگی که در افکار است اصلاح نشود ما به استقلال نمی‌رسیم».<sup>۱۱</sup>

بنابراین امام خمینی (ره) ضمن سخن از آسیب مهمی که بر فرهنگ کشور و هویت فرهنگی کشور وارد شده، معتقد است که مبارزه با غرب زدگی و پی آمدهای آن (همچون خودباختگی و عدم توجه به توان و عزم ملی و از خود بیگانگی و ...) و جایگزین کردن فرهنگ بومی - اسلامی و احیای هویت فرهنگی مهم‌ترین استراتژی نو سازی فرهنگی بعد از انقلاب است. این استراتژی فرهنگی همواره توسط جریان احیای تفکر اسلامی از زمان سیدجمال مطرح بود؛ در دههٔ چهل نیز توسط تئوریسین‌های اصلی این جنبش به‌منظور روشی برای تغییر در وضع موجود استفاده شد، به طوری که نگاهی به آثار جلال آل احمد، شریعتی، طالقانی و مطهری نشان می‌دهد که مبارزه با مسخ هویت فرهنگی بومی و تلاش برای احیای آن در اولویت‌های مبارزاتی آن‌هاست جلال آل احمد با تشبیه غرب زدگی به باز زدگی و طاعون زدگی که ریشهٔ هویت ملی یک کشور را بر باد می‌دهد<sup>۱۲</sup> و شریعتی با طرح بازگشت به خویشتن<sup>۱۳</sup> این استراتژی را دنبال می‌کردند.

از سوی دیگر، امام خمینی (ره) برخی از سنت‌های غیر عقلایی در جوامع را عامل ضایعه آفرین دیگری برای فرهنگ کشور در سال‌های گذشته می‌داند. اصولاً وی مانند دیگر اصلاح طلبان مذهبی در کنار نقد ارزش‌های غربی همواره به نقد ارزش‌های سنتی نیز می‌پرداخت. در فرصت‌های مختلف به نگرشی از اسلام که به آن نگرش متحجرانه از اسلام لقب داده بود، حمله می‌کرد و معتقد بود تحجرگرایی و عدم درک زمان و مکان یکی دیگر از مشکلات فرهنگی و مانع نهضت اسلامی است.

وی به ناملایماتی که خود از سوی متحجران کشیده بود، اشاره می‌کرد و می‌گفت:

«در نزد متحجران یاد گرفتن زبان خارجی، کفر؛ و فلسفه و عرفان، گناه و شرک

## و در جای دیگر

«گلوله حيله و مقدس مآبی از سوی نجرگرایان در خرداد چهل و دو به نیروهای

خودی را هزار بار بیش تر از باروت و سرب رژیم شاهنشاهی می دانست».<sup>۱۵</sup>

وی نگرش های انحرافی از دین و مذهب را موجب رشد اسلامی می دانست که شعله های فریاد حق طلبانه مظلومان را خاموش می کند. وی اسلام سرمایه داران، اسلام مرفهین بی درد، اسلام منافقان و راحت طلبان و اسلام رفاه و تجمل و اشرافیت ابوسفیانی و اسلام ملاهای کثیف درباری و اسلام مقدس نماهای حوزه های علمیه و دانشگاهی و اسلام پول و زور و فریب را محکوم می کرد و آن را عامل ذلت، زبونی، عقب ماندگی، محافظه کاری و مسخ ارزش های معنوی و اخلاقی می دانست.<sup>۱۶</sup> وی با نقد اعتقادات موجود مسلمانان معتقد بود «اگر به طور عمیق توجه کنید، پی خواهید برد که مهم ترین عامل انحطاط مسلمانان دوری و بی خبری از تعالیم واقعی و حیات بخش اسلام است. اسلامی که در تاریک ترین ادوار تاریخ مشعشع ترین و نورانی ترین تمدن ها را به وجود آورد و پیروان خود را به اوج عظمت و اقتدار و آقایی رساند. آن زمانی که همان پیروان از آن تعالیم چشم پوشیدند و به روشی منحرف و قشری (که اسلامش نامیدند) گرویدند، طبیعی بود که عظمت و مجد دیرینه خود را از دست داده و به روز سیاه و تیره ای چون روزگار موجود بیفتد».<sup>۱۷</sup>

بنابراین امام خمینی (ره) با نقد ارزش های مذهبی موجود، خواستار پیرایش آن و درک اسلام واقعی (که به نظر ایشان مطابق قدرت آدمی است) بود. ایشان ضمن انتقاد از وضعیت فرهنگی جامعه در دهه های قبل از انقلاب و عملکرد تجددگرایان به منظور ایجاد تحول در حوزه فرهنگ و هویت فرهنگی کشور، معتقد است فرهنگ کشور در سال های مذکور از سوی این گروه از غرب گرایان و در کنار آن تفکرات متحجرانه سنتی به شدت آسیب دیده و هویت فرهنگی مخدوشی را ایجاد کرده است که عدم اصلاح آن، راه را برای هرگونه تحول انقلابی مسدود می کند.

## ۲- امام خمینی و تبیین هویت اصیل فرهنگی در ایران

در بررسی سخنان و تحلیل محتوای سخنرانی ها در دست نوشته های امام خمینی (ره) هرچند

کاربرد واژه «هویت»<sup>۱۸</sup> به شکل محدودی آن هم در قالب واژه‌هایی همچون «هویت ایرانی - اسلامی»، «هویت اسلامی» به نظر می‌رسد، اما این واژه به شکل غیرمستقیم، به‌طور گسترده‌ای در سرتاسر آثار و کلام ایشان مشهود است. در این باره بکارگیری مفاهیمی همچون «ما» (در مقابل دیگری) و یا مفهوم «خود»، «خودی»، «شرقی»، «ایرانی»، «اسلامی» و... بسیار دیده می‌شود که همگی دلالت بر نوعی هویت‌سازی دارد. به طوری که می‌توان گفت محور اصلی مبارزاتی امام خمینی (ره) تلاش برای احیای هویت بومی و بازگشت به خود و خویش می‌باشد.

ایشان در تبیین این هویت که با واژه‌هایی همچون «ما» و «خود» به آن اشاره دارد از اصطلاحاتی استفاده می‌کند که نشان‌دهنده ماهیت فرهنگی آن است. برای مثال ایشان به دفعات از اصطلاحاتی همچون «شخصیت ایرانی اسلامی»، «انسان اسلامی»، «آدم اسلامی»، «موجود شرقی»، «مغز شرقی»، «انسان خودمانی»، «انسان ایرانی - اسلامی»، «مغز اسلامی - انسانی» استفاده کرده و معتقد است که این شخصیت، انسان و مغزی که دارای ویژگی شرقی، اسلامی، ایرانی و بومی است دچار تحول و دگرگونی شده و شخصیت واقعی خود را گم کرده است و یا شخصیت، انسان و مغز غربی به جای آن نشسته است.

ایشان می‌گوید:

«به جای موجود شرقی اسلامی، موجود غربی بر ما تحمیل شده که خودمان را گم کرده‌ایم به جای مغز شرقی، مغز غربی نشسته است. حالا طوری شده‌ایم که دیگر خودمان هم نمی‌توانیم خود را بفهمیم خودمان را گم کرده‌ایم به جای خودمان یک موجود غربی نشسته است».<sup>۱۹</sup>

امام با تأکید بر این الیناسیون یا از خودبیگانگی، تمام تلاش خود را برای معرفی «خود واقعی» بکار می‌گیرد و در توصیف آن، اصطلاح «انسان ایرانی - اسلامی» و «انسان خودمانی» را به جای «انسان بیگانه با خود» معرفی می‌کند.

وی همواره تأکید دارد:

«هیچ نحو استقلالی حاصل نمی‌شود الا این که ما خودمان را بشناسیم».<sup>۲۰</sup>

و یا در جای دیگری می‌گوید:

«ما تا تمام حیثیت خودمان را نفهمیم، نفهمیم که چی بودیم، ما در تاریخ چه بوده و چه هستیم، چه داریم، تا این‌ها را نفهمیم، استقلال نمی‌توانیم پیدا کنیم».<sup>۲۱</sup>

و یا

«هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا کند الا این‌که خودش، خودش را بفهمد مادامی که خودش را گم کردند و دیگران را جای خودش نشانند استقلال نمی‌توانند پیدا کنند».<sup>۲۲</sup>

وی رمز قدرت و عظمت کشور را «بازگشت به خویشتن خویش» و «خودباوری» می‌داند و مصداق آن را ادراک این مطلب می‌داند که «افراد هر جامعه بفهمند که ما هم خودمان موجودیتی داریم که آن موجودیت در فرهنگ ما تبلور یافته است».<sup>۲۳</sup>

وی در این باره می‌افزاید:

«ماها الان خودمان را گم کرده‌ایم، مفاخر خودمان را الان گم کرده‌ایم، مآثر خودمان را گم کرده‌ایم، تا این گم‌شده پیدا نشود شما مستقل نمی‌شوید. بگردید پیدایش کنید».<sup>۲۴</sup>

ایشان در موضع دیگر، ضمن اشاره به تأثیر تفکر یکسان‌سازی مدرنیست‌ها در جهان سوم و مبانی نظری جامعه‌شناسی تکامل‌گرا در غرب مبنی بر این‌که نژاد غربی، نژاد برتر و غرب ایده‌آل جوامع بشری است معتقد است که تمامی تلاش آنان القاکننده این مطلب بوده که «ما از خود هیچ نداریم و باید همه چیز، علم، تمدن، قانون و پیشرفت را از آنان بگیریم».<sup>۲۵</sup>

همچنین می‌افزاید:

«این‌ها با تبلیغات خودش ما را چنان به غرب برگرداندند و غرب زده کردند که همه چیز خودمان را، همه مفاخر خودمان را باده‌مان رفت، برای خودمان دیگر چیزی قابل نیستیم».<sup>۲۶</sup>

«تهی کرده بودند ملت را از خودش، خودش را اصلاً نمی‌شناخت، هرچه می‌دید غرب می‌دید، هرچه می‌دید مراکزی که مراکز قدرت بود می‌دید، قدرت خودش را فراموش کرده بود».<sup>۲۷</sup>



وی سپس به نقد این نکته می‌پردازد و می‌گوید:

«باید به خودمان اثبات کنیم که ما هم آدمیم، که ما هم هستیم در دنیا، که شرق هم یک جایی است، همه‌اش غربی نیست، شرق هم یک جایی است که خزاینش بیش‌تر از همه جا و متفکرینش بیش‌تر از همه جا بوده، ... طلب از شرق رفته به غرب، تمدن از شرق رفته به غرب، لکن تبلیغات چه بوده است که ما را به عقب زدند.»<sup>۲۸</sup>

آن‌چه که از محتوای سخنان امام خمینی می‌توان دریافت این است که منظور ایشان از این «خود» نوعی «خود فرهنگی» است که مرکزیت آن را یک فرهنگ اسلامی - انسانی تشکیل می‌دهد. وقتی ایشان از شرق سخن می‌گوید در واقع شرق را منشأ فرهنگ اسلامی می‌داند و معتقد است:

«شرق یک فرهنگ اسلامی دارد که بلندترین، مترقی‌ترین فرهنگ است، با این فرهنگ اسلامی باید تمام احتیاجاتش را اصلاح کند و دستش را پیش‌غرب دراز نکند.»<sup>۲۹</sup>

و یا در جای دیگر می‌گوید:

«مکتب بزرگ اسلام که در شرق است شرق او را گم کرده است، تا شرق این مکتب را پیدا نکند و نفهمد که مکتبش چه است و خودش چه است و خودش هم یک موجودی است و کشورش هم یک کشوری است نمی‌تواند با غرب مقابله کند.»<sup>۳۰</sup>

همچنین وقتی امام خمینی از ایرانی و فرهنگ ایرانی سخن می‌گوید در واقع منظور وی نوعی فرهنگ نژادی و قومی نیست وی این «نژادپرستی‌ها را یک مسئله بچه‌گانه می‌داند» و قضیه نژادبازی را ارتجاعی ذکر می‌کند.<sup>۳۱</sup> و معتقد است: «ملت ایران یک نقطه اتکایی دارد و آن اسلام است.»<sup>۳۲</sup> وی برخی از اجزای ملیت ایرانی را «گبریت» می‌داند و آن را تأیید نمی‌کند.<sup>۳۳</sup> وی ایران را به‌مثابه زادگاهی محترم و ملیت را در چارچوب اسلام قابل قبول می‌داند اما اساس را اسلام ذکر می‌کند.<sup>۳۴</sup> و می‌افزاید: «ملی به معنای ضحیح آن، نه آن‌چه روبه‌روی اسلام عرض اندام کند.»<sup>۳۵</sup>

بر این اساس منظور وی از فرهنگ ایرانی در واقع فرهنگ ایرانی - اسلامی است که دارای صبغه اسلامی - انسانی است.

بنابراین به نظر می‌رسد در دیدگاه امام خمینی عنصر اصلی و کلیدی هویت فرهنگی ایرانیان، فرهنگ اصیل اسلامی است که به نظر وی «فرهنگی انسانی، سالم و مستقل است»<sup>۳۶</sup> و توانایی ساختن انسان‌های مستقل و کشوری قدرتمند را دارد. وی نتیجه احیای هویت فرهنگی اصیل را ساختن «انسان» می‌داند و می‌فرماید:

«آن‌ها کوشش کردند فرهنگ ما را استعماری کنند تا نگذارند انسان پیدا شود،

آن‌ها از انسان می‌ترسند».<sup>۳۷</sup>

بازگشت به فرهنگ اصیل اسلامی می‌تواند به رشد انسان متفکر و مستقل کمک کند که این امر زمینه استقلال کشور را فراهم می‌آورد.

### ۳- احیای هویت فرهنگی اسلامی - انسانی

امام خمینی (ره) در بحث‌های خود احیای هویت فرهنگی را که از آن با عنوان «هویت اسلامی - انسانی» یاد می‌کند، مهم‌ترین راهکار حفظ و تداوم آرمان‌های انقلاب اسلامی و به مثابه استراتژی بقای این انقلاب می‌داند. تأکید ایشان در مقام فقیه عقل‌گرای شیعه بر دو صفت «انسانی» و «اسلامی» به منزله مهم‌ترین ویژگی‌های هویت فرهنگی کشور، در واقع تأکید بر بازگشت به هویت انسانی - عقلانی است که جوهره آموزه‌های قرائت عقل‌گرایانه و انسان‌گرایانه از اسلام است. به نظر امام (ره)، احیای این هویت انسانی موجب ظهور انسانیت انسان می‌شود که تجلی آن را در چنین انسانی با حمایت از اهدافی نظیر: استقلال، خودباوری، اتکای به نفس، امید به آینده، عدم سلطه‌پذیری، حمایت از پیشرفت واقعی و مظاهر واقعی تمدن، نفی هرگونه تقلید غیر عقلایی از دیگران، نقد سنت‌های غیرعقلانی خودی، حفظ کرامت و ارزش‌های اصیل انسانی و ... می‌توان دید، که خود زمینه هرگونه حرکت مستقل و تکاملی جوامع است. به همین دلیل امام (ره) می‌فرماید: «ما موظفیم انسان درست کنیم، انسان است که می‌تواند جلوی مفساد را بگیرد».<sup>۳۸</sup> و یا می‌گفت باید تلاش کرد تا «آن مغز غیرانسانی - غیراسلامی متحول شود به مغز

انسانی».<sup>۳۹</sup> وی احیای هویت انسانی که فطری و هماهنگ با طبیعت انسان است را زمینه ایجاد تحول روحی روانی در فرد و به دنبال آن در جامعه می‌داند که یکی از نتایج آن استقلال طلبی است. در این باره امام خمینی (ره) می‌فرماید:

«اگر ما بیدار بشویم که ما هم انسانی هستیم مثل سایر انسان‌ها... بیداری اراده پیش می‌آید که ما بخواهیم خودمان وسایل زندگی اجتماعی خودمان را فراهم کنیم و با کوشش خودمان کارهای خودمان را انجام بدهیم. مدتی می‌گذرد و خودمان صنعتگر خواهیم شد...».

وی در ادامه، احیای این هویت انسانی را زمینه‌ساز «امید به آینده» و «تلاش در سازندگی» دانسته و یأس و ناامیدی را از «جنود ابلیس» می‌داند.<sup>۴۰</sup> وی با «نفی انسانیت انگلی» معتقد است «اول باید باورتان بیاید که ما هم انسان هستیم، ما هم قدرت تفکر داریم، ما هم قدرت صنعت داریم و این قدرت در همه افراد بشر بالقوه وجود دارد اگر این باور برای شما پیدا شد زود تسلیم قدرت‌های بزرگ نخواهید شد». وی در ادامه اساس وابستگی ملت را وابستگی فکری او و باورهایش می‌داند.<sup>۴۱</sup>

وی می‌افزاید:

«ما باید این را بفهمیم که همه چیز هستیم و از هیچ‌کس کم نداریم و ما که خودمان را کم کرده بودیم باید این خود کم کرده‌ای را پیدا کنیم».<sup>۴۲</sup>

و یا ضمن انتقاد از مسخ هویت انسانی کشور در حکومت پهلوی می‌گوید:

«این‌ها نیروی انسانی ما را از بین بردند و نگذاشتند رشد بکنند در بین خود کشور ما جوری کردند که محتوای انسان را از بین بردند صورتی گذاشتند و محتوا را گرفتند طوری کردند که اعتماد ما هم به خودمان تمام شد. استقلال فکری ما و استقلال روحی ما را از دستمان گرفتند این بدتر از آن استقلال گرفتنی بود که کشور ما استقلال نداشت ما روحیه خودمان را از دست داده بودیم و هرچه می‌شد در ذهن همه این بود که باید از خارج این کارها درست بشود. مردم را جوری بار آوردند که سلب اطمینان کردند از خودشان، استقلال فکر را از ما گرفتند و ما را در فکر و در اندیشه و در روح وابسته کردند این وابستگی بسیار اسفناک است».<sup>۴۳</sup>

و می‌افزاید:

«زیرا برخلاف وابستگی اقتصادی نظامی بسیار دیر قابل جبران است زیرا فکر می‌کنیم که خودمان چیزی نداریم حتی اخلاقمان هم صحیح نیست و لذا باید تلاش کرد تا با یک فرهنگ تازه این موضع را تغییر داد و فرهنگی می‌تواند این تحول را ایجاد کند که فرهنگ انسانی، اسلامی، استقلالی باشد و مال خودمان باشد و این امر مدت‌ها طول می‌کشد».<sup>۴۴</sup>

ایشان در جای دیگری می‌گویند: «در هر نظامی اگر یک انسان پیدا شود کارها را متحول می‌کند»<sup>۴۵</sup> و همواره در سخنان خود مهم‌ترین فاجعه برای کشور را نابودی و مسخ نیروی انسانی مطرح کرده است.

بر این اساس امام خمینی (ره) احیای هویت انسانی را که جوهره هویت فرهنگ اسلامی است رمز پایداری، عزت و قدرت کشور می‌داند و مهم‌ترین استراتژی را احیای انسانیت انسان ذکر می‌کند. وی در این باره راهکارهایی بیان می‌کند که به نظر ایشان می‌توانند هویت فرهنگی اسلامی - انسانی را تقویت کند.

در این جهت، به نظر ایشان اولین گام در احیای این انسانیت اصیل، نفی «خودکاذب» است که این عمل مقدمه شناخت «خود واقعی» است. از دیدگاه امام (ره)، فرهنگ منحرفانه‌ای از غرب، شرق، اسلام و ایران به جای فرهنگ واقعی و اصیل اسلامی - انسانی ما نشسته و هویت کاذبی را برای ما به وجود آورده است که اولین گام، جایگزینی این وضعیت است. به نظر ایشان:

«ما آن چیزی را که داشتیم کنار گذاشتیم، آن چیزی هم که آن‌ها داشتند نتوانستیم پیدا کنیم چیزی از کار درآمدیم که نه شرقی، نه غربی، نه اسلامی، نه اروپایی، نه هیچی، بلکه شرقی هستیم، به معنای همان شرقی استعماری، غربی هم هستیم به معنای همان غربی استعماری، باید از این حالت بیرون بیاییم مادامی که این مرض را ما داریم، این فرض نمی‌گذارد یک حال صحتی برای ما پیدا شود از این مرض باید بیرون بیاییم».<sup>۴۶</sup>

ایشان ضمن تأکید بر صدمه شخصیتی ناشی از این وضعیت به منزله بزرگ‌ترین صدمه به قدرت ملی می‌افزاید: «آن‌ها کوشش کردند که شخصیت ما را از ما بگیرند و به جای شخصیت ایرانی و اسلامی یک شخصیت وابسته اروپایی شرقی و غربی به جایش بگذارند» که به نظر امام ویژگی اصلی این نوع شخصیت «ابراز ناتوانی از خود» و «نیازمندی به دیگران» است.<sup>۴۷</sup>

ایشان همچنین «بر طرح منحرفانه‌ای از اسلام که نوعی قرائت غیرانسانی از اسلام است» اشاره می‌کند و معتقد است «ما الان اسلام را نمی‌دانیم چیست این قدر به مغز ما خوانده است این غرب، که اسلام را گم کردیم».<sup>۴۸</sup> تا اسلام را پیدا نکنید نمی‌توانید اصلاح بشوید.<sup>۴۹</sup>

ایشان غرب‌زدگی را بعد دیگری از این «خودکاذب» می‌داند و نفی آن را لازمه احیای هویت واقعی می‌داند. غرب‌زدگی از دیدگاه ایشان نوعی خودباختگی و «نوعی شستشوی مغزی است که فرد خود را از یاد می‌برد و یا هیچ می‌انگارد و همه چیز را در غرب می‌بیند».<sup>۵۰</sup> به نظر ایشان شخص غرب‌زده خودش نیست و نمی‌تواند ادراک کند که خودش هم فرهنگ دارد و یا توانایی‌هایی دارد.<sup>۵۱</sup>

براین اساس، نفی این وضعیت و تحول این انسان‌ها و این فرهنگ از جمله راه کارهای مهم دیگر جهت احیای هویت فرهنگی است.

امام (ره) همچنین برآگاهی بخشی و آشنایی تبلیغ فرهنگ خودی و توانایی‌های بومی به منظور احیای هویت فرهنگی اشاره دارد. به نظر او «آگاهی به این‌که شرق خودش فرهنگ غنی دارد، طوری که فرهنگ او صادر می‌شده است و غربی‌ها از فرهنگ شرق بارور شده‌اند و این تحفه شرقی به غرب رفته و غرب از آن استفاده کرده» می‌تواند از اهمیت خاصی برخوردار باشد، وی در این خصوص به معرفی مآثر شرق نظیر: طب و فلسفه و معرفی دانشمندان و بزرگان این دیار می‌پردازد.<sup>۵۲</sup> وی سرکوب و تمسخر آداب، فرهنگ، صنعت و ابتکارات خودی را از عوامل عدم آشنایی با خود و مانعی برای احیای هویت فرهنگی اصیل می‌داند.<sup>۵۳</sup>

### نتیجه‌گیری

در مجموع به نظر می‌رسد امام خمینی (ره) هویت فرهنگی اصیل در ایران را، هویت اسلامی

- انسانی می‌داند و کلام ایشان مبنی بر احیای این هویت اسلامی - انسانی در واقع تأکیدی بر بازگشت به هویت انسانی - عقلانی است که جوهره آموزه‌های اسلامی می‌باشد و توسط امام خمینی مورد تأکید قرار می‌گیرد. این هویت انسانی و فطری موجب ظهور انسانیت انسان می‌شود<sup>۵۴</sup> که تجلی آن را در ظهور باورهایی همچون استقلال، خودباوری، اتکابه‌نفس، عدم سلطه‌پذیری، حمایت از پیشرفت واقعی و مظاهر واقعی تمدن، نفی هرگونه تقلید غیرعقلایی از دیگران، نقد سنت‌های غیرعقلانی خودی، حفظ کرامت و ارزش‌های اصیل انسانی و ... می‌توان دید که زمینه هرگونه حرکت مستقل و تکاملی است. به نظر وی احیای این هویت انسانی رمز پایداری، قدرت و پیشرفت کشورهای جهان سوم خواهد بود. و تداوم و استواری انقلاب اسلامی نیز در گرو احیای این هویت یعنی تقویت انسانیت انسان خواهد بود.



### پی نوشت

۱- صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج سوم، ۱۳۷۸،

ص ۳۰۶.

۲- همان، ج اول، ص ۳۹۰.

۳- برای آشنایی با مکتب مدرنیزاسیون به منابع زیر رجوع کنید:

- Vicy Randall and Robin Theobald. *Political Change and Underdevelopment*, London: Macmillan Publication, 1991.

- Andrew Webster. *Introduction to the Sociology of Development*, London: Macmillan, 1990.

۴- برای بررسی ابعاد تحولات فرهنگی در این دوره رجوع شود به:

یحیی فوزی، مذهب و نوسازی در ایران، پایان نامه دوره دکتری دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه تهران:

۱۳۷۸.

۵- رجوع شود به:

- A. Inkeles and D.H Smith, *Becoming Modern*, Cambridge, Massachusset Harward Univ. Press 1997, A.

۶- کلام امام، دفتر بیست و دوم (فرهنگ و تعلیم و تربیت)، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۱۸۴.

۷- همان دفتر ۱۴، ص ۳۹۹.

۸- همان دفتر ۹، ص ۱۸۵.

۹- همان ج ۹، ص ۱۸۶.

۱۰- همان.

۱۱- صحیفه نور، (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ج ۱۰،

۱۳۶۱، ص ۷۵.

۱۲- ر.ک. به:

جلال آل احمد، غرب زدگی، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۵.

۱۳- ر.ک. به:

مجموعه آثار شریعتی، تهران: انتشارات الهام، ۱۳۷۵.

۱۴- رجیبی، محمدحسن. *زندگینامه سیاسی امام خمینی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷،

صص ۸۸-۸۹.

۱۵- *صحیفه نور*، ص ۹۲.

۱۶- همان، ص ۸.

۱۷- گولوزی (مجموعه سخنرانی‌های امام خمینی)، تهران: مؤسسه نشر آثار امام، ج ۱، ص ۲۲۸.

۱۸- برای آشنایی با اصطلاح هویت (Identity) به منابع زیر رجوع شود:

- Edger F. Bergatta. *Encyclopedia of Sociology*, Vol.2, Macmillan Publishing Company.

- Adam, Kuper. *The social Science Encyclopedia*, London: Routledge.

وگیدنز، آنتونی. *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.

۱۹- *صحیفه نور*، پیشین، ج ۹، صص ۲۵-۲۶.

۲۰- همان، جلد ۹، ص ۲۵۸.

۲۱- همان، جلد ۱۰، ص ۷۴.

۲۲- همان، جلد ۱۱، ص ۱۸۳.

۲۳- همان، جلد ۹، ص ۱۶۶.

۲۴- همان، جلد ۹، ص ۵۹.

۲۵- همان، جلد ۱۸، ص ۸۹.

۲۶- همان، جلد ۱۰، ص ۷۴.

۲۷- همان، جلد ۱۳، ص ۴۲.

۲۸- همان، جلد ۱۱، ص ۱۹۳.

۲۹- همان، جلد ۱۰، ص ۷۱.

۳۰- همان، جلد ۱۱، ص ۲۳۸.

۳۱- همان، جلد ۱، ص ۸۹.



- ۳۲- همان.
- ۳۳- همان، جلد ۹، ص ۲۰۳.
- ۳۴- همان.
- ۳۵- همان، جلد ۱۳، ص ۵۰.
- ۳۶- همان جلد ۵، ص ۲۰۰ و جلد ۱۱، ص ۲۳۸.
- ۳۷- همان، جلد ۶، ص ۴۰.
- ۳۸- کلام امام، پیشین، دفتر ۲۲، ص ۱۸۷.
- ۳۹- همان، ص ۱۱۹.
- ۴۰- همان، ص ۱۹۸.
- ۴۱- همان، ص ۲۰۶.
- ۴۲- همان، ص ۲۳۱.
- ۴۳- همان، ص ۱۱۹.
- ۴۴- همان.
- ۴۵- همان، ص ۱۲۶.
- ۴۶- همان، جلد ۹، ص ۱۶۰.
- ۴۷- همان، جلد ۱۴، ص ۷۶.
- ۴۸- همان، جلد ۱۰، ص ۱۱۶.
- ۴۹- همان.
- ۵۰- رجوع شود به صحیفه نور، پیشین، جلد ۸، ص ۱۲۲ و همان جلد ۹، ص ۱۶۶.
- ۵۱- همان، جلد ۹، ص ۱۶۶.
- ۵۲- همان، جلد ۹، ص ۲۵ و ص ۱۲.
- ۵۳- همان، جلد ۲۱، ص ۱۸۳.
- ۵۴- به نظر ایشان «ما موظفیم انسان درست کنیم؛ انسان است که می تواند جلوی مفسد را بگیرد، انسان است که به حال مستضعفین نظر دارد» (کلام امام، پیشین، دفتر بیست و دوم، ص ۱۸۸).



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی